Jurisprudence and Legal Studies of Media Journal
VOL. 8 / Autumn 2026 and Winter 2027 / NO. 2 (Serial 16)

Applying the jurisprudential rule of "Prohibition of Donation for Sin" in the use of smart media tools

Amir Mohammad Jafari [1] 0009-0003-2046-3758
Nematollah Firoozi[2] 0000-0001-6692-2479

Abstract

The rule of "forbidden aid for sin" is one of the important rules of jurisprudence, based on which any assistance or cooperation in committing a forbidden act is considered forbidden and sinful. This rule, which has its roots in the teachings of the Quran and Sunnah, plays a significant role in the social and moral interactions of Muslims. In the present era, with the emergence of digital media and devices such as smartphones, the scope of this rule has expanded significantly and has raised serious questions about the religious responsibility of users and content producers. This article examines the key concepts of the rule of "forbidden aid for sin" and uses reliable jurisprudential sources to examine the role and position of the rule in the media space and examines its examples in the use of smartphones. Finally, the article shows that, based on this rule, users, content producers, and media software developers each have a specific jurisprudential responsibility, the failure to comply with which leads to the deviation and corruption of the religious community and imposes irreparable material and spiritual losses on it.

Keyword: Jurisprudential rule, sanctity, aiding in sin, media, smart tools, jurisprudential responsibility.

1- Master's degree student in Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran (corresponding author of the article) aboozarafshar@gmail.com
2- Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Imam Reza International University, Mashhad, Iran ma4808693@gmail.com

دوفصلنامه
مطالعات فقه و حقوق رسانه
دانشکده غیردولتی – غیرانتفاعی رفاه

دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)
پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص: ۲۴۵-۲۷۱

کاربست قاعده فقهیِ «حرمت اعانه بر اثم» در استعمالِ ابزار رسانه‌ای هوشمند

نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/jlsm.2026.2066805.1036

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۱/۳۱

امیرمحمد جعفری[۱] نعمت‌الله فیروزی[۲]

چکیده

قاعده «حرمت اعانه بر اثم» یکی از قواعد مهم فقه است که بر مبنای آن، هرگونه کمک یا همکاری در ارتکاب حرام، ممنوع و گناه تلقی می‌شود. این قاعده که ریشه در آموزه‌های قرآن و سنت دارد، در تعاملات اجتماعی و اخلاقی مسلمانان نقش بسزایی دارد. در عصر حاضر، با ظهور رسانه‌های دیجیتال و ابزارهایی مانند تلفن‌های هوشمند، دایره این قاعده به‌طور چشمگیری گسترش یافته و پرسش‌های جدی درباره مسئولیت شرعی کاربران و تولیدکنندگان محتوا برانگیخته است. این مقاله با بررسی مفاهیم کلیدی قاعده «حرمت اعانه بر اثم» و با استفاده از منابع فقهی معتبر، به روش تحلیلی – تطبیقی به بررسی نقش و جایگاه قاعده در فضای رسانه‌ای پرداخته و مصادیق آن را در استفاده از تلفن‌های هوشمند بررسی می‌کند. درنهایت، مقاله نشان می‌دهد که بر اساس این قاعده، کاربران، تولیدکنندگان محتوا و توسعه‌دهندگان نرم‌افزارهای رسانه‌ای، هر یک دارای مسئولیت فقهی مشخص‌اند که عدم رعایت آن موجب انحراف و تباهی جامعه دینی شده و خسارات مادی و معنوی جبران‌ناپذیری بر آن تحمیل می‌کند.

واژه کلیدی

قاعده فقهی، حرمت، اعانه بر اثم، رسانه، ابزار هوشمند، مسئولیت فقهی.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران amirmuhammedjafary@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا علیه‌السلام، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) ma4808693@gmail.com

۱. بیان مسئله

در دنیای امروز، رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده رفتار و باورهای انسان‌ها شناخته می‌شوند و ازاین‌رو، بررسی مسئولیت‌های اخلاقی و فقهی کاربران و تولیدکنندگان محتوا در این فضا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

قاعده فقهی «حرمت اعانه بر اثم» از جمله قواعدی است که در فقه اسلامی مورد استناد قرار می‌گیرد و بر اساس آن، کمک به دیگران در انجام گناه، حرام شمرده می‌شود. این قاعده از مستندات قرآنی ازجمله «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الإثمِ وَالعُدوانِ» *(سوره مائده: آیه ۲)*، روایات و حکم عقل بهره می‌برد و هدف آن جلوگیری از گسترش گناه و حفظ ارزش‌های اخلاقی در جامعه به‌شمار می‌آید. بااین‌حال، در میان فقها درباره گستره، شرایط و حتی دلیل اصلی این حرمت، اتفاق‌نظر کامل وجود ندارد؛ بنابراین برخی علما با قلمرو مطلق آن مخالف‌اند. در تحلیل فقهی، هنگامی که شخص مُذنِب به‌تنهایی مرتکب گناه شود، «فاعل» شناخته می‌شود لکن هنگامی که این فعل با مشارکت دیگران انجام می‌پذیرد، دو حالت متصور است: حالت اول، مشارکت در عنصر مادی گناه است که به تمامی آنان «شریک جرم» اطلاق می‌شود. حالت دوم که موضوع اصلی این قاعده است، زمانی است که یک یا چند نفر به‌صورت مستقل عنصر مادی گناه را انجام می‌دهند و فرد یا افراد دیگری آنان را در انجام این عمل یاری می‌کنند. در اصطلاح فقهی، به عمل یاری‌رسان «اعانه بر اثم» و به فرد کمک‌کننده «مُعین» گفته می‌شود. این مفهوم، در حقوق جزای عرفی تحت عنوان «معاونت در جرم» و «معاون» شناخته می‌شود*(محقق داماد، ۱۳۸۸، ج٤، ص. ۱۷۳)*. نکته حائز اهمیت آن است که مبنا و دامنه شمول این عنوان و همچنین شرایط تحقق آن (مانند لزوم یا عدم لزوم قصد کمک به گناه و علم به نتیجه حرام) ازجمله مباحث اختلافی میان فقها است.

استدلال شرعی این قاعده عمدتاً بر کلام الهی در قرآن کریم استوار است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» *(سوره مائده: آیه ۲)*. این آیه به‌صراحت همکاری در کارهای نیک را تشویق و از مشارکت در گناه و ظلم نهی می‌فرماید. شیخ انصاری این قاعده را در کتاب مکاسب محرمه مطرح و بر این باور است که هر نوع کمک به گناه از طریق فراهم کردن شرایط، مقدمات، یا وسایل لازم برای انجام آن، حرام است: «الإعانَةُ عَلَى

الإثم مُحَرَّمَةٌ لِمَا فی ذلک مِنَ الإشراکِ فی المعصیۀ...وَ تَتَضَمَّنُ فِی تَسَهیلِ سَبیلِهَا» *(انصاری، ۱٤۱۵ق، صص. ۱۳۲-۱٤۵)*.

آیت‌الله خویی این قاعده را در بحث حرمت ظلم و گناه به‌صورتی گسترده مورد تحلیل قرار داده است. ایشان اگرچه استدلال مستقیم به آیه «وَلا تَعَاوَنُوا...» را برای اثبات حرمت اعانه (که ممکن است یک‌طرفه باشد) نمی‌پذیرد؛ اما دلیل عقل را برای اثبات این حرمت کافی و محکم می‌داند. از نظر ایشان، عقل به‌روشنی به قبح مشارکت در گناه و ظلم حکم می‌کند؛ بنابراین ایشان بر حرمت کمک به گناه، چه به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم، تأکید کرده و هرگونه نصرت، ولو اقدام ناچیز در جهت تحقق گناه را ممنوع می‌شمارند *(خویی، ۱٤۱۷ق، ج۱، ص. ۱۸۳)*.

امام خمینی(ره) در آثار فقهی خود، از جمله کتاب «المکاسب المحرمه»، برای حرمت اعانه بر اثم، دو استدلال متمایز ارائه می‌کنند. ایشان از یک‌سو، حرمت این عمل را مستنبط از شریعت می‌دانند و از سوی‌دیگر، حکم قطعی عقل را بر قبح آن استوار می‌سازند و تأکید دارند که این حرمت، مطلق و مستقل از قیود خاصی است.

نکته کلیدی و تمایز دیدگاه ایشان آن است که امام خمینی، دایره حرمت، فراتر از مصادیق صرفِ معاونت است. ایشان استدلال می‌کنند که عقل، به‌طور مستقل، قبح تدارک مقدمات معصیت را درک می‌کند، حتی اگر بر عمل فرد، عنوان دقیق اعانه یا تعاون صدق نکند. به‌عبارت‌دیگر، حرمت تهیه مقدمات گناه متوقف و منوط به تحقق خارجی عنوان معاونت نیست. ایشان در این‌باره می‌فرمایند: «إنّ حکم العقل بالقبح فی تلک الموارد ثابت ولو لم یصدق علی بعضها عنوان الإعانۀ علی الإثم و التعاون ونحوهما، فإنّ العقل یدرک قبح تهیئۀ مقدّمات المعصیۀ و الجرم، صدق علیها تلک العناوین أم لا»*(خمینی، ۱۳۹۲، صص. ۱۹٤-۲۰۲ و ۲۱۰-۲۱٤)*. این دیدگاه، دامنه مسئولیت شرعی را به‌طور چشمگیری گسترش می‌دهد و هرگونه اقدام برای زمینه‌سازی بستر و ابزار گناه را - فارغ از صدق عنوان خاص - در معرض حرمت قرار می‌دهد.

این قاعده تأکید زیادی بر مسئولیت فرد نسبت به عدم مشارکت در گناه دارد. بزرگان فقهای شیعه با وجود اشتراک در نتیجه نهایی (حرمت اعانه)، در مبانی استدلال و دامنه شمول قاعده، دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند. شیخ انصاری در کتاب المکاسب، حرمت اعانه بر اثم را با استناد به آیه «وَلا تَعَاوَنُوا...» و همچنین حکم عقل به‌عنوان یک قاعده مسلم فقهی اثبات

می‌کند. ایشان با تفکیک دقیق میان انواع معاونت، تأکید دارد که هرگونه کمک عملی، مالی یا فراهم‌آوری وسایل انجام گناه – حتی اگر به‌صورت غیرمستقیم باشد – درصورتی‌که «قصد» کمک به گناه در کار باشد، حرام است *(انصاری، ۱٤۱۵ق، صص. ۱۳۲-۱٤۵)*. درمقابل، آیت‌الله خویی هرچند درنهایت قائل به حرمت اعانه هستند لکن استدلال مستقیم به آیه شریفه را نمی‌پذیرند. ایشان در مصباح الفقاهه استدلال می‌کنند که آیه «وَلا تَعَاوَنُوا...» دلالت بر حرمت «تعاون» دارد که امری دوجانبه است، درحالی‌که «اعانه» ممکن است یک‌طرفه باشد؛ بنابراین، با نقد این استدلال، عقل را به‌عنوان دلیل اصلی حرمت اعانه برمی‌شمارند و معتقدند عقل به‌روشنی به قبح مشارکت در گناه حکم می‌کند *(خویی، ۱٤۱۷ق، ج۱، ص. ۱۸۳)*. امام خمینی نیز مشابه شیخ انصاری، به هر دو دلیل کتاب و عقل تمسک جسته و بر مطلق بودن این حرمت (بدون نیاز به قیود خاص) تأکید دارند *(خمینی، ۱۳۹۲، صص. ۱۹٤-۲۰۲)*؛ بنابراین، با وجود اختلاف در مبانی استنباط، هر نوع کمک عملی، مالی یا معنوی به تحقق گناه را ممنوع دانسته‌اند.

با توجه به تبیین مبانی و ادله قاعده حرمت اعانه بر اثم، می‌توان دامنه تطبیق این قاعده در عرصه‌های نوین اجتماعی را مورد بررسی قرار گیرد. رسانه‌های هوشمند معاصر به‌دلیل ویژگی‌های منحصربه‌فرد چون دسترسی آسان، سرعت انتشار و فراگیری گسترده، بستری جدید برای تحقق مصادیق اعانه بر اثم فراهم کرده‌اند؛ بنابراین در عصر ارتباطات و فناوری، مصادیق نوین و پیچیده‌ای یافته است. به‌بیان‌دیگر، ابزارهای رسانه‌ای هوشمند به‌عنوان بسترهای تعامل اجتماعی نوپدید، زمینه‌های جدیدی برای ارتکاب جرایم و بزهکاری فراهم می‌کنند که بایسته بررسی بیش‌ازپیش با این قاعده فقهی است.

رسانه کلان‌ترین، تأثیرگذارترین و پرچالش‌ترین موضوعی است که امروز در تمام امور و جنبه‌های زندگی بشر نفوذ کرده و آن را دگرگون ساخته است. اشتباه نیست اگر بگوییم رسانه از اصلی‌ترین دلایل تفاوت زندگی بشر با اعصار گذشته است که در مرکز این تفاوت‌ها، تلفن‌های هوشمند همراه با فواید و نیز آثار مخرب و زیان‌بار آن قرار دارد. چرا که این ابزار برای جوانان به «میدانی جدید» جهت سرگرمی، ارتباط و استقلال فردی بدل شده است و درعین‌حال سبک زندگی آنان را دچار تغییرات بنیادین کرده است *(پریزاد و سعیدی، ۱٤۰۳)*؛ البته باید تأکید نمود که با وجود تغییرات گسترده در ابزار و سبک زندگی،

فطرت انسانی ثابت مانده و واکنش‌هایی مشابه و قابل پیش‌بینی نشان می‌دهد؛ زیرا فطرت امری ثابت است و ویژگی‌های ذاتی آن تنها در اثر غفلت محیطی مخدوش می‌شود *(نورمحمدیان، ۱٤۰۰)*.

دین الهی و فطری اسلام می‌تواند با شناسایی مسائل روز و مبتنی بر قواعد فقه و کاربردهای آن ازجمله در حوزه رسانه، نظامی قانون‌مند و متکی بر شرع الهی و نیز برای پرهیز از معاونت در ارتکاب گناه در مواجهه با این پدیده نوظهور تدوین نمود؛ بنابراین درصورتی‌که این مهم با استفاده از منابع متقن انجام نشود باعث هرج‌ومرج و بی‌نظمی و آسیب به سطوح مختلف جامعه دینی خواهد شد؛ بنابراین پرسش اساسی این پژوهش آن است که: با توجه به گسترش ابزارهای رسانه‌ای هوشمند به‌ویژه تلفن‌های همراه، چگونه می‌توان قاعده حرمت اعانه بر اثم را در رفتار کاربران، تولیدکنندگان و نهادهای رسانه‌ای اعمال و مصادیق آن بررسی نمود؟

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده در حوزه قاعده «حرمت اعانه بر اثم» و ارتباط آن با مسائل رسانه‌ای را می‌توان در سه حوزه اصلی دسته‌بندی نمود: پژوهش‌های مرتبط با خود قاعده، پژوهش‌های حوزه فقه رسانه، و مطالعاتی که به‌صورت خاص به تطبیق قاعده بر فضای مجازی و رسانه‌های نوین پرداخته‌اند.

۲-۱. پژوهش‌های بنیادین درباره قاعده «حرمت اعانه بر اثم»

مقاله «واکاوی معنا و مفهوم اعانه بر اثم در آرای فقهای امامیه» *(کاظمی‌نیا، ۱۳۹٤)*، از مهم‌ترین پژوهش‌های پایه‌ای است که به تحلیل مبانی و محدوده این قاعده پرداخته و با استناد به قرآن، روایات و عقل، عناصر تحقق اعانه ازجمله قصد اعانه، علم به گناه و نقش تحقق خارجی معصیت را در ابواب مختلف فقهی و قلمروهای اجتماعی واکاوی کرده است. در همین راستا، مباحث تفصیلی پیرامون «اعانه بر اثم و شرایط تحقق آن» *(فاضل فقیهی، ۱٤۰۰)* با واکاوی نقش قصد، علم، مباشرت و معاونت، به تحدید حدود قاعده و تبیین تفاوت‌های میان همکاری‌های مستقیم و غیرمستقیم و صدق عرفی آن‌ها پرداخته و ابعاد کاربردی این

قاعده را در تحلیل رفتارهای اجتماعی روشن ساخته است.

۲-۲. پژوهش‌های مرتبط با فقه رسانه و ابزارهای ارتباطی

در این حوزه، حاجی‌زاده(۱۳۹۰) در مقاله «نظریه‌های دینی در تنظیم پیام‌های رسانه‌ای»، بر مسئولیت اخلاقی و حقوقی کاربران و سازندگان محتوا در فضای مجازی تمرکز کرده و نقش ابزارهای ارتباطی در تولید محتوای فاسد را بررسی نموده است.

پیرمرادیان(۱۳۹٤) در پژوهش خود با عنوان «حرمت اعانت بر اثم و اعانت به ظالم در رسانه‌های خبری و مطبوعات از دیدگاه فقه اسلامی»، به شکلی تخصصی‌تر به کاربرد قاعده در عرصه رسانه‌های خبری و مطبوعات پرداخته است. این پژوهش، مصادیق اعانه بر اثم و کمک به ظالم را در فرایند تولید، انتشار و حتی مصرف اخبار تحلیل فقهی کرده و مسئولیت نهادهای خبری و روزنامه‌نگاران را در قبال نشر اخبار کذب، شایعات و محتوای تفرقه‌انگیز واکاوی نموده است.

با وجود غنای مطالعات پیشین، تمرکز اغلب آنها بر فضای کلی رسانه یا شبکه‌های اجتماعی بوده و تحلیل جامع و ساختاریافته قاعده حرمت اعانه بر اثم در بستر خاص «ابزارهای ارتباطی هوشمند»(مانند تلفن همراه) و با تفکیک دقیق مسئولیت سه‌گانه «کاربران، تولیدکنندگان محتوا و توسعه‌دهندگان نرم‌افزار» کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. مقاله حاضر با پر کردن این خلأ، در پی ارائه تحلیلی عمیق‌تر و کاربردی‌تر از چگونگی اجرای این قاعده در لایه‌های مختلف زیست‌بوم رسانه‌های هوشمند است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش با هدف تبیین قاعده فقهی «حرمت اعانه بر اثم» و تحلیل مصادیق نوین آن در فضای رسانه‌های هوشمند، با اتخاذ روش «تحلیلی-تطبیقی» انجام شده است. فرایند پژوهش در سه مرحله اصلی طراحی و اجرا گردید:

۱. **مرحله تحلیلی**: در این مرحله، با مراجعه نظام‌مند به متون اصیل فقهی و اصولی (کتاب، سنت، عقل و اجماع) و با استفاده از آرای برجسته‌ترین فقهای امامیه، مبانی، ادله، مفاهیم کلیدی و شروط تحقق قاعده «حرمت اعانه بر اثم» استنباط و تبیین گردید.

۲. مرحله تطبیقی درونی: این مرحله به مقایسه و واکاوی دیدگاه‌های فقهای امامیه (مانند شیخ انصاری، امام خمینی، آیت‌الله خویی و آیت‌الله مکارم شیرازی) در مورد حدود، قلمرو و شرایط اجرای قاعده در مواجهه با پدیده‌های نوظهور اختصاص یافت. این تطبیق درونی، نقاط افتراق و اشتراک دیدگاه‌ها را آشکار ساخته و به ارائه تحلیلی جامع و دقیق از قاعده کمک شایانی نمود.

۳. مرحله کاربردی‌سازی: در این مرحله، با تطبیق قاعده بر بستر پیچیده رسانه‌های دیجیتال و ابزارهای هوشمند، مصادیق متعارف و نوپدید اعانه بر اثم در سه سطح کاربران، تولیدکنندگان محتوا و توسعه‌دهندگان سکو(پلتفرم)ها استخراج و تحلیل گردید.

۴. تبیین مفاهیم

۴-۱. قاعده فقهی: در لغت به پایه و ستون چیزی که به آن استوار و با انتفای آن منتفی و معدوم می‌شود، قاعده می‌گویند، خواه مادی باشد یا معنوی. در اصطلاح عبارت است از قضیه‌ای کلی که بر همه جزئیات و افرادش انطباق دارد*(فاضل لنکرانی، ۱٤۳٤ق، ص. ۸)*. فقها تعاریف مشابهی را در مورد قاعده فقهی بیان کرده‌اند ازجمله شهید ثانی معتقد است: «قاعده فقهی حکمی کلی است که بر مجموعه‌ای از جزئیات فراوان قابل انطباق بوده و از آن‌ها در فهم و شناخت احکام شرعی استفاده می‌شود» *(شهید ثانی، بی‌تا، ج۵، ص. ۳۵۵)*. به‌بیان‌دیگر قاعده فقهی عبارت است از حکم کلی فرعی که در باب‌ها و موضوعات مختلف فقه بر موارد جزئی منطبق می‌شود *(موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷، ج۱، ص. ۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸٦، ج۱، ص.۲۳)*. درنهایت می‌توان گفت: قاعده فقهی حکمی کلی است که به‌عنوان مرجع تصمیم‌گیری شرعی در موارد متعدد قابل‌استفاده بوده و تطبیقات آن نه‌تنها در روابط شخصی بلکه در ابعاد اجتماعی و رسانه‌ای نیز کاربرد دارد.

۴-۲. اعانت: یکی از واژگان کلیدی در قاعده «حرمت اعانه بر اثم»، مفهوم «اعانت» است. بر اساس منابع لغوی معتبر، اعانت از ریشه «عَوْن» گرفته شده و در لغت به‌معنای «یاری رساندن» و «کمک کردن» به‌کار می‌رود. ابن‌منظور در کتاب لسان العرب چنین آورده است: «الإعانة: المساعدة، و منه قوله تعالى: ﴿وتَعَاوَنُوا عَلَى البِرِّ وَالتَّقوَى﴾ *(سوره مائده: آیه ۲)*، أی ليساعد بعضكم بعضاً»؛ اعانت به‌معنای یاری رساندن است و از آن‌جمله فرموده خداوند

متعال است که «در نیکوکاری و تقوا یکدیگر را یاری دهید» *(ابن‌منظور، ۱٤۰۲ق، ج٤، ص.۳۵۷)*. فقها از اعانت تعاریف گوناگونی ارائه داده‌اند و اجمال سخن این است که معاونت عبارت است از هرگونه فعلی که دیگری را یاری نموده، او را در تحقق هدف مورد نظرش قادر می‌سازد؛ مثل دادن عصا به شخصی ظالم که می‌خواهد مظلومی را بزند *(محقق داماد، ۱۳۸۸، ج٤، ص.۱۷۳)*.

با جمع‌بندی دیدگاه فقها می‌توان گفت: در اصطلاح فقهی، اعانت به‌نوعی مشارکت مستقیم یا غیرمستقیم در کمک به ارتکاب عمل، خواه گفتاری یا رفتاری، اطلاق می‌شود. اگرچه از اطلاق کلام فقها استنباط می‌شود که اعانه اعم است از مساعدت فکری و معنوی یا مساعدت عملی و مادی، اما بعید نیست که از نظر فقها، انجام اموری چون تحریک و ترغیب که درواقع نوعی همکاری فکری و معنوی است نیز اعانه محسوب می‌شود.

۴-۳. اثم: إثم در لغت به‌معنای گناه، خطا، و عمل خلاف اخلاق و شریعت است. صاحب مفردات الفاظ القرآن ذکر کرده است: «الإثم: الذنب الذی یوجب العقاب من الله تعالی.» إثم به‌معنای گناهی است که مستحق عقوبت الهی می‌گردد، همچنین اضافه می‌کند إثم غالباً به رفتارهایی اطلاق می‌شود که از سر نافرمانی یا انحراف از شریعت و اخلاق اسلامی رخ می‌دهند *(راغب اصفهانی، ۱٤۱۲ق، ص.۱۱۲)*.

در اصطلاح فقهی نیز، إثم به هر عملی اطلاق می‌شود که تجاوز از حدود الهی را در پی داشته باشد و موجب گناه یا ضرر به نفس یا جامعه گردد. آیه شریفه قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» *(سوره مائده: آیه ۲)* و یکدیگر را در انجام گناه و تجاوز کمک نکنید. شیخ انصاری در کتاب المکاسب مفهوم إثم را ناظر به هر گونه عملی می‌داند که مخالفت با اوامر یا نواهی الهی تلقی شود: «عملی است که به‌صورت حرام شرعی بوده یا وسیله‌ای برای رسیدن به عمل حرام باشد» *(انصاری، ۱٤۱۵ق، ص.۳۱٤)*.

۴-۴. رسانه: رسانه در زبان فارسی واژه نسبتاً جدیدی محسوب می‌شود. این واژه معادلی برای کلمات Medium و Media است. همان‌طور که خود واژه «رسانه» نشان می‌دهد، مأموریت آن، ابلاغ و رساندن پیام‌ها و دیدگاه‌ها به افراد، گروه‌ها و مجموعه‌های دیگر است. به همین علت، یکی از کارکردهای اصلی رسانه را ایجاد ارتباط می‌دانند. با توجه به این توضیحات، در معنایی گسترده می‌توان از «علامت دادن با دود» و «پرتاب سنگ‌ریزه

به شیشه همسایه» تا «استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای» و «حضور در شبکه‌های اجتماعی» را مصداق استفاده از ابزار رسانه‌ای دانست. رسانه سه عنصر اصلی دارد که بدون یکی از آن‌ها نمی‌توان گفت رسانه وجود دارد؛ بنابراین صاحب‌نظران، این سه را در همه رسانه‌ها (از رسانه سنتی تا رسانه الکترونیکی و رسانه دیجیتال) ضروری دانسته‌اند: اطلاعات و محتوا (پیام)، مخاطب(برای شکل‌گیری ارتباط)، ابزار ارتباط (متمم، بی‌تا).

در همین زمینه، وجه تمایز ابزارهای نوین رسانه‌ای به ویژه تلفن هوشمند با دیگر ابزارهای مشابه، این است که استفاده از این ابزار بسیار راحت است و همه می‌توانند به‌سادگی و تحت هر شرایطی از تلفن هوشمند خود استفاده کنند. بسیار ارزان‌تر از لپ‌تاپ‌هاست و به‌سهولت قابل تهیه هستند. به‌خاطر تنوعی که دارند هرکس می‌تواند به‌سادگی و با توجه به شرایط خود این ابزار را تهیه کند. علاوه‌براین، باید به توانایی‌های مختلف و سطح بالای این ابزار اشاره کرد که ترکیبی از رایانه‌های شخصی، دوربین‌های عکاسی و فیلم‌برداری، تلویزیون و... است *(زومیت، ۱۴۰۱)*.

درواقع تلفن هوشمند چندین محصول همزمان را ارائه می‌کند. با توجه به این ویژگی‌ها، دلایل همه‌گیری تلفن‌های هوشمند مشخص می‌شود؛ بنابراین در کنار دسترسی به انواع مخاطبان اعم از کودک و نوجوان و دانش‌آموز و دانشجو، امکان تنهایی و خلوت بیش‌تر و نیز فرصت بیش‌تر برای ارتکاب گناه و بزه نسبت به دیگر ابزارهای رسانه‌ای را فراهم می‌نماید.

۵. دلایل حرمت تعاون بر اثم

ادله فقها بر حرمت اعانت بر «اثم»، شامل کتاب، روایات، عقل و اجماع است:

۵-۱. کتاب: گروهی از فقها از جمله مرحوم بجنوردی، مرحوم نراقی، مرحوم لنکرانی از آیه شریفه «تَعاوَنُوا عَلَی البِرِّ وَ التَّقوی وَ لا تَعاوَنُوا عَلَی الاثمِ و العُدوانِ» *(سوره مائده: آیه ۲)*، حرمت اعانت بر اثم را استنباط نموده‌اند؛ با این استدلال که در آیه تعاون بر اثم نهی شده است و نهی دلالت بر حرمت دارد *(بجنوردی، ۱۳۷۹، ج۱، ص. ۳۵۹)*.

۵-۲. روایات: این روایات در دو بخش قابل بررسی است.

۵-۲-۱. روایت اعانه در قتل مسلمان: از پیامبراکرم(ص) نقل شده است: «مَنْ أَعَانَ عَلَی قَتْلِ مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ کَلِمَةٍ جَاءَ یَوْمَ اَلْقِیَامَةِ بَیْنَ عَیْنَیْهِ مَکْتُوبٌ آیِسٌ مِنْ رَحْمَةِ اَللَّهِ تَعَالَی» *(ابن*

بابویه، ۱٤۰٦ق، ص. ۲۷٦): کسی که همکاری و کمک کند برای قتل مسلمانی و لو دخالتش در حد یک کلمه باشد، روز قیامت در حالی محشور می‌شود که بین دو چشمش نوشته شده است: ناامید از رحمت خدا.

۵-۲-۲. روایات کمک به ظالمان: ازجمله، روایت منقول از کتاب ورام بن ابی فراس: «من مشی الی ظالم لیعینه و هو یعلم انه ظالم فقد خرج عن الاسلام...» *(مجلسی، ۱٤۰۳ق، ج۷۲، ص. ۳٦۲)*؛ هرکس قدمی برای کسی که می‌داند ظالم است بردارد، قطعاً از اسلام خارج شده است. در مبحث «معونة الظالمین» روایت دیگری از پیامبر رحمت(ص) نقل شده است: «من علق سوطا بین یدی سلطان جابر، جعلها الله حیة طولها سبعون ألف ذراع فیسلطها الله علیه فی نار جهنم خالدا مخلدا» *(حرعاملی، ۱۳٦۷، ج۱۲، ص. ۱۳۰)*؛ آن که شلاقی را در دست ظالم قرار دهد، خداوند عزوجل آن شلاق را در قیامت تبدیل به ماری می‌کند که طول آن هفتاد هزار ذراع است. خداوند متعال این مار را بر آن شخص مسلط می‌کند و این فرد همیشه در جهنم خواهد بود. همچنین پیامبر اکرم(ص) می‌فرمایند: «لَا تُعِینُوا الظّالِمِینَ عَلَی ظُلْمِهِمْ» *(مجلسی، ۱٤۰۳ق، ج٦٤، ص. ٦٤)*: ظالمان را در ظلم‌شان کمک نکنید. پیامبر اکرم در این روایت، به ممنوعیت هر نوع مشارکت در اقدامات گناه‌آلود تأکید کرده‌اند.

امام علی(ع) می‌فرمایند:«اتَّقوُا إِثْمَ الظالِمینَ وَإِعَانَتَهُم فَی ما یَفعَلُون» *(نهج‌البلاغه: حکمت ۲۵۲)*: از گناهِ ظالمان و کمک کردن به آن‌چه که انجام می‌دهند، پرهیز کنید. این روایت به‌صراحت حرمت کمک به گناهکاران را بیان می‌کند، حتی اگر این کمک به‌طور غیرمستقیم باشد. همچنین امام صادق(ع) می‌فرمایند: «مَنْ أَعَانَ عَلَی ظُلْمٍ فَقَدْ صَارَ شریکاً فِیه» *(حرعاملی، ۱۳٦۷، ج۱۲، ص. ۱۲۹)*: هرکس در ظلم کمک کند، خود شریکی در آن شده است. این حدیث، مفهوم حرمت همکاری در گناه را در قالب مشارکت فعال توضیح می‌دهد و برای موارد حقوقی بسیار حائز اهمیت است.

۵-۳. عقل: در بیان دلیل عقل گفته شده است همچنان که انجام منکر عقلاً قبیح است و همچنان که امر به آن و تشویق به سوی آن عقلا قبیح است، انجام مقدمات برای منکر هم قبیح است. به‌خاطر همین، قوانین عرفی عهده‌دار وضع مجازات برای معین جرم هستند. پس اگر کسی سارقی را در سرقت کمک کند یا با او در مقدمات آن همکاری کند، در نظر

عقلا و قوانین کیفری مجرم است که نظیر آن در شرع وارد شده است *(منتظری، ۱٤۱۵ق، ص. ۲٤۸)*؛ مثلاً جایی که شخصی، دیگری را بگیرد و نفر سوم او را بکشد و یک نفر ناظر باشد؛ قاتل قصاص می‌شود، ممسک(گیرنده) به حبس ابد محکوم شده و ناظر کور می‌شود.

ادراک عقل به قبح تعاون بر معصیت و گناه است؛ نه به‌خاطر اینکه مقدمه حرام است بلکه به‌خاطر اینکه عقل مستقلا به قبح اعانه بر حرامی که از دیگری صادر می‌شود حکم می‌دهد. پس نزد عقل، معین جرم مانند شریک جرم است؛ اگرچه در میزان قبح با هم متفاوت اند» *(منتظری، ۱٤۱۵ق، ص. ۲٤۸)*.

۵-۴. اجماع: فقها بر حرمت اعانت بر اثم اجماع دارند ولی با وجود آیه شریفه و سایر دلایل(روایات و عقل) اجماع فاقد اعتبار است. این اجماع به‌دلیل وجود ادله نقلی به‌ویژه آیه تعاون به احتمال قوی مدرکی است و اجماع مدرکی دلیل مستقلی نیست *(محقق داماد، ۱۳۸۸، ج٤، ص. ۱۷۸)*. همچنین به این دلیل که در نظر برخی فقهای متقدم، اعانه بر اثم حرام نبود، به این اجماع اشکال وارد می‌شود *(اعرافی، ۱۳۹۳، ص. ۲٤٤)*.

۵-۵. مستندات فقهی و اصولی: فقها در تحلیل قاعده حرمت اعانه بر اثم، به پشتوانه‌های فقهی و اصولی نیز توجه کرده‌اند. برخی اصول استنباط مربوط به این قاعده عبارت‌اند از:

۵-۵-۱. قاعده ملازمه: بر اساس این اصل، احکام شرعی منع کمک به اثم، به دلیل هم‌جواری با گناه، لازمه ایجاد مسئولیت اخلاقی و شرعی برای فرد محسوب می‌شود. این قاعده بیان می‌کند که آنچه عقل مستقلاً قبیح یا مذموم می‌شمارد، شرع نیز آن را حرام می‌داند. حرمت اعانه بر اثم بر اساس این قاعده اثبات می‌شود؛ زیرا عقل همکاری در گناه را قبیح می‌داند. آخوند خراسانی در کفایهٔ الاصول در بحث ملازمه حکم عقل و شرع، بر تأیید قبح عقلانی افعال حرام تأکید کرده و مشارکت در گناه را از مصادیق آن ذکر می‌کند *(آخوند خراسانی، ۱٤۰۹ق، ص. ۲۷۰)*.

۵-۵-۲. قاعده «لاضرر»: فقها بیان کرده‌اند که حرمت گناه، مبتنی بر جلوگیری از وارد ساختن ضرر به خود یا جامعه است. همکاری در امور رسانه‌ای که منجر به فساد اخلاقی یا اجتماعی شود، می‌تواند مصداق اصل لاضرر باشد. فقها معتقدند که هر فعلی که ضرر به فرد یا جامعه وارد کند، از نظر شرعی ممنوع است. اعانه بر اثم، به دلیل ایجاد ضرر اخلاقی، اجتماعی یا اقتصادی، مشمول این قاعده است. شیخ انصاری در کتاب مکاسب

محرمه، اصل لاضرر را به مواردی از همکاری در گناه و تسهیل فساد اجتماعی منطبق می‌داند *(انصاری، ۱٤۱۵ق، ص. ۷۲)*.

جدول شماره ۱: مستندات شرعی قاعده حرمت اعانه بر اثم

منبع	مستند	توضیح
قرآن	«وَلا تَعَاوَنُوا عَلَى الإثمِ وَالعُدوانِ» (سوره مائده: آیه ۲)	نهی از همکاری در گناه و تجاوز
روایات	ازجمله روایت پیامبر(ص): «مَنْ أَعَانَ عَلَى ظُلْمٍ فَقَدْ صَارَ شَرِيكاً فِيهِ»	هرگونه کمک به ظلم = مشارکت در گناه
عقل	قبح ذاتی مشارکت در گناه از دیدگاه عقلی	آخوند خراسانی، شیخ انصاری و...

۶. شرایط و محدوده صدق قاعده «حرمت اعانه بر اثم» در رسانه‌های هوشمند

رسانه‌های دیجیتال و تلفن‌های هوشمند به‌عنوان ابزارهایی قدرتمند و تأثیرگذار، به‌دلیل ویژگی‌هایی نظیر دسترسی سریع، امکانات همه‌جانبه و قابلیت انتشار گسترده، جایگاه ویژه‌ای در تحلیل فقهی قاعده «حرمت اعانه بر اثم» دارند. این ابزارها به‌طور بالقوه می‌توانند مصادیق متعددی از کمک به گناه را از طریق تعاملات گسترده‌ای که فراهم می‌کنند، ایجاد نمایند؛ مصادیقی همچون انتشار محتوای غیراخلاقی، تسهیل ارتباطات غیرشرعی و گسترش تبلیغات نامشروع. تحقق قاعده در این فضای چندوجهی و چندلایه‌ای، مستلزم احراز شرایطی است که با توجه به نقش و مسئولیت هر یک از بازیگران اصلی این فضا – اعم از کاربران، تولیدکنندگان محتوا و توسعه‌دهندگان نرم‌افزارها و سکو(پلتفرم)ها – می‌تواند متفاوت باشد.

۶-۱. شرایط صدق قاعده نزد کاربران

کاربران نهایی به‌عنوان مصرف‌کنندگان محتوا و خدمات، با اقداماتی مانند ذخیره‌سازی و انتشار محتوای حرام یا نشر شایعات، در معرض اتهام اعانه قرار می‌گیرند. مشمولیت ایشان به حرمت اعانه منوط به تحقق شرایط ذیل است:

نیّت و قصد (عنصر معنوی): مبتنی بر دیدگاه فقها ازجمله تصریح علامه حلی در «إنّ التعاون المُحرَّم هو المُشارکةُ بالقَصدِ وَ العَمدِ» *(علامه حلی، ۱٤۱٤ق، ج۱، ص. ۵۹)*، کاربر باید آگاهانه و عامدانه قصد کمک به انتشار یا تسهیل گناه را داشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، همکاری مذکور در این قاعده، به‌معنای مشارکت در عملی است که به گناه منتهی می‌شود، نه هر عمل مشترکی بلکه قصد و نیت در تحقق این حرمت شرط است؛ به‌عنوان‌مثال، فردی که با علم و عمد، محتوای غیراخلاقی را در یک گروه عمومی به اشتراک می‌گذارد تا دیگران نیز آن را ببینند، به دلیل وجود قصد، معاون بر اثم محسوب می‌شود.

علم و آگاهی: از سوی‌دیگر، آخوند خراسانی در عبارت «الإعانةُ علی الإثم تتوقف علی العلم المسبق بما یترتب علی الفعل من أثر حرام» *(آخوند خراسانی، ۱٤۰۹ق، ج۲، ص. ۱۲۳)*، شرط علم را مورد تأکید قرار می‌دهد. براین‌اساس، کاربر باید هم به حرام بودن ذاتی عملی که به آن کمک می‌کند (مانند نشر اکاذیب یا محتوای مستهجن) واقف باشد و هم به نقش خود در تسهیل آن آگاه باشد. اگر کاربری به‌طور تصادفی و بدون آگاهی پیوند یک وبگاه قمار را باز کند، به‌دلیل فقدان علم، اعانه محقق نشده است.

رابطه سببیّت: علاوه بر دیدگاه‌های مذکور، شیخ انصاری بر وجود «تلازم عرفی أو عقلی بین الفعل والإثم» برای تحقق حرمت تأکید دارد*(انصاری، ۱٤۱۵ق، ص. ۲۶۳)*؛ بنابراین عمل کاربر باید به‌گونه‌ای باشد که در عرف، «کمک» به‌وقوع گناه محسوب شود و ارتباط علّی مستقیم یا غیرمستقیم بین عمل او و گناه دیگری برقرار باشد. اشتراک‌گذاری یک مطلب کذب که منجر به هتک حرمت شخصی می‌شود، به‌دلیل رابطه علّی روشن، مصداق بارز اعانه است.

۶-۲. شرایط صدق قاعده نزد تولیدکنندگان محتوا

تولیدکنندگان محتوای رسانه‌ای، با خلق و انتشار مستقیم محتوا، در معرض اتهام اعانه قرار می‌گیرند. ایشان علاوه بر مسئولیت قانونی(مطابق ماده ۱٤ قانون جرایم رایانه‌ای) در قبال تولید و انتشار محتوای غیراخلاقی، از منظر فقهی نیز مسئول شناخته می‌شوند. شرایط برای ایشان عبارت است از:

قصد فعلی یا نوعی: تولیدکننده ممکن است قصد مستقیم(شخصی) برای ترویج فساد

داشته باشد – مانند ساخت یک کلیپ غیراخلاقی – که در این صورت به اتفاق فقها، عمل او حرام است؛ اما اگر محتوایی تولید کند که ذاتاً مباح یا حتی مشروع است (مانند یک مقاله علمی)، ولی به‌صورت نوعی و به‌طور قابل پیش‌بینی، مورد سوءاستفاده برای ارتکاب گناه قرار می‌گیرد (مانند آموزش ساخت وسایل خطرناک)، در اینجا مسئله پیچیده‌تر است. برخی فقها معتقدند در این موارد، علم تولیدکننده به سوءاستفاده قطعی از محتوا و فقدان هرگونه مجوز شرعی برای انتشار آن، می‌تواند موجب شمول قاعده شود؛ به‌عنوان‌مثال، اگر نویسنده‌ای بداند که اثر علمی او صرفاً توسط یک گروه مجرم برای ارتکاب جرم استفاده می‌شود، انتشار آن بدون ضرورت شرعی، ممکن است مصداق اعانه باشد.

علم به استفاده حرام: تولیدکننده باید علم یا ظن قوی به استفاده حرام از محتوای خود داشته باشد؛ به‌عنوان‌مثال، سازنده یک نرم‌افزار آموزشی که می‌داند بخشی از کاربران، از محصول مذکور برای انتشار شبهه‌افکنی دینی استفاده می‌کنند؛ بنابراین در صورت عدم اقدام برای جلوگیری، ممکن است مشمول قاعده شود.

۶-۳. شرایط صدق قاعده نزد توسعه‌دهندگان و ارائه‌دهندگان خدمات

این گروه شامل طراحان اپلیکیشن‌ها، مدیران شبکه‌های اجتماعی و فروشندگان تجهیزات هستند. مسئولیت ایشان عمدتاً بر مبنای «تسهیل گناه» استوار است و شرایط ذیل برای تحقق اعانه در مورد ایشان ضروری است:

علم تفصیلی: مطابق دیدگاه آخوند خراسانی که پیش‌تر گذشت، توسعه‌دهنده باید به‌طور مشخص و تفصیلی بداند که محصول یا خدمت او برای ارتکاب گناه مشخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به‌عنوان‌مثال، تولید نرم‌افزاری که کاربران را مستقیماً به سمت بازی‌های قمار یا فعالیت‌های غیرقانونی سوق می‌دهد، با علم واضح توسعه‌دهنده همراه است. همچنین، طبق استفتائات از آیت‌الله خامنه‌ای، فروش یا ارائه نرم‌افزارها و ابزارهایی که مشخصاً برای انجام گناه استفاده می‌شوند، از نظر شرعی ممنوع است *(استفتائات مقام معظم رهبری، ۱۲۹٤۸)*.

نظریه قصد نوعی و علم ساختاری در سکوهای هوشمند: دشواری احراز «قصد معین» در سکوهای میزبان میلیون‌ها داده، ناظر به یکی از عمیق‌ترین تحولات فقه در مواجهه با

نهادهای پیچیده نوین است. برای حل این مسئله، باید از فقه فردمحور به سمت فقه نهادمحور حرکت کرد. در این گذار، دو مفهوم کلیدی مطرح می‌شود:

الف) قصد نوعی: در فقه معاصر، به‌ویژه در مباحث فقه اقتصادی و فقه نظام‌ها، مفهوم «قصد نوعی» توسعه‌یافته است. قصد نوعی به جهت‌گیری کلی و قابل پیش‌بینی یک نهاد یا سیستم اشاره دارد، نه قصد شخصی مدیران در هر لحظه *(گروه فقه فضای مجازی، ۱۴۰۲، صص. ۱۵-۲۵)*؛ برای‌مثال، اگر معماری یک سکو به‌گونه‌ای است که کاربران را به اتاق‌های خصوصی با امکان پاک‌کردن خودکار تاریخچه گفتگوها سوق می‌دهد، سیستم‌های شناسایی محتوای حرام را به‌طور نظام‌مند ضعیف نگه می‌دارد و الگوی درآمدزایی آن بر محتوای حاشیه‌ای و هیجانی استوار است، در این‌صورت، حتی اگر متولیان ادعا کنند «قصد کمک به گناه» ندارند، عرف فقهی قصد نوعی سکو را «تسهیل فضای غیرشفاف» تشخیص می‌دهد که به‌صورت طبیعی بستر گناه را فراهم می‌کند *(بهرامی احمدی، ۱۳۹۹، صص. ۵-۱۰)*.

ب) علم ساختاری: مفهوم علم در این مجال فراتر از «علم شخصی و لحظه‌ای» است؛ بنابراین در سکوهای دیجیتال، باید از «علم ساختاری یا نهادی» سخن گفت که دارای ویژگی‌های ذیل است:

۱. علم سیستمی: سکو از طریق آمار و گزارش‌های نظام‌مند می‌داند که چه درصدی از ترافیک آن مربوط به محتوای مشکوک است.

۲. علم الگوریتمی: طراحان الگوریتم می‌دانند که الگوریتم‌های پیشنهاددهنده چه محتوایی را ترویج می‌کنند.

۳. علم مقایسه‌ای: سکو می‌داند که رقبای آن چگونه با محتوای حرام برخورد می‌کنند و امکان فنی کنترل تا چه حد وجود دارد *(موسوی و دیگران، ۱۴۰۲، صص.۱۰-۱۵)*.

نظریه علم به‌عنوان مسئولیت تحقیقی و تتبّعی: برخی فقهای معاصر مانند آیت‌الله علیدوست با استناد به قاعده «ما لا یعلم به لا یعذر فیه»(در آنچه نمی‌داند معذور نیست) معتقدند سکوهای بزرگ موظف به «تحقیق فعال» درباره پیامدهای سیستم خود هستند. عدم این تحقیق، خود نوعی تقصیر محسوب می‌شود *(علیدوست، ۱۳۹۸، صص.۶۵-۷۵)*. درهمین‌راستا، برخی معیارهای عملیاتی برای احراز علم در سکوها به شرح ذیل است:

۱. شاخص غفلت سازمانی[1]: نسبت هزینه‌های تحقیق و توسعه برای شناسایی محتوای حرام به کل درآمد سکو.
۲. شاخص پاسخگویی[2]: میانگین زمان پاسخ به گزارش‌های کاربران درباره محتوای حرام
۳. شاخص شفافیت[3]: میزان انتشار گزارش‌های شفاف درباره اقدامات کنترلی.

این تحلیل نشان می‌دهد که فقه می‌تواند با توسعه مفاهیم «قصد نوعی» و «علم ساختاری»، بدون توسل به روان‌کاوی مدیران و صاحبان سکو، معیارهای عینی برای احراز شرایط قاعده اعانه بر اثم ارائه دهد *(موسوی و دیگران، ۱۴۰۲، صص.۲۰-۲۵)*.

معیار «کاربرد غالب حرام» به‌عنوان محک اصالت ابزار: در تحلیل مسئولیت توسعه‌دهندگان و ارائه‌دهندگان خدمات، معیار تعیین‌کننده‌ای که می‌تواند مرز میان «تسهیل مشروع» و «اعانه حرام» را به‌وضوح ترسیم کند، مفهوم «کاربرد غالب حرام» است. بر اساس این معیار، اگر هدف اصلی طراحی یک ابزار، سکو یا نرم‌افزار، یا استفاده عمده و شایع از آن، انجام امور حرام باشد، توسعه و ارائه آن – حتی بدون احراز قصد شخصی توسعه‌دهنده برای کمک به گناه خاص- ذاتاً مصداق اعانه بر اثم و حرام است. این دیدگاه که مورد تأکید فقهایی مانند آیت‌الله مکارم شیرازی قرار گرفته، مبتنی بر این تحلیل است که در چنین مواردی، «قصد نوعی» توسعه‌دهنده بر ارتکاب حرام استوار گشته است.

تعیین «غالب بودن» کاربرد حرام، با دو شاخص اصلی قابل سنجش است:

الف) شاخص هدفمندی و طراحی: آیا ماهیت و ویژگی‌های ذاتی ابزار (مانند امکانات، تبلیغات یا کاربری تعریف‌شده آن) به‌گونه‌ای است که آن را به‌طورخاص برای انجام حرام مناسب می‌سازد؟ (مانند یک اپلیکیشن ویژه قمار).

ب) شاخص آماری-عرفی: آیا در عرف جامعه، استفاده اصلی و شناخته‌شده از آن ابزار، انجام حرام است؟ حتی اگر به‌طور نظری قابلیت استفاده مشروع نیز داشته باشد.

در نقطه مقابل، ابزارها و سکوهای عمومی (مانند سیستم‌عامل‌ها یا پیام‌رسان‌های عمومی) که ذاتاً برای مقاصد مشروع طراحی شده و استفاده غالب از آنها نیز مشروع است،

1. Organizational Negligence Index
2. Responsiveness Metric
3. Transparency Index

به صرف امکان سوءاستفاده برخی کاربران، مشمول این حرمت نمی‌شوند. در این موارد، مسئولیت توسعه‌دهنده زمانی آغاز می‌شود که با «علم تفصیلی» به استفاده خاص حرام، در جلوگیری از آن کوتاهی کند؛ بنابراین، معیار «کاربرد غالب حرام» به‌عنوان یک اصل راهبردی، بار مسئولیت شرعی را به شکلی منطقی و عادلانه بر عهده تولیدکنندگان محصولات رسانه‌ای قرار می‌دهد.

حرمت ذاتی عمل: گناهی که توسعه‌دهنده به آن کمک می‌کند، باید ذاتاً حرام باشد. شیخ انصاری با مثال فروش انگور به فردی که قصد تولید شراب دارد، این شرط را تبیین می‌کند *(انصاری، ۱٤۱۵ق، ص. ۲۵۰)*. اگر محصولی ذاتاً مباح (مانند یک پیام‌رسان عمومی) باشد و برخی کاربران از آن برای گناه استفاده کنند، توسعه‌دهنده به صرف تولید آن محصول مسئول نیست، مگر آنکه علم به استفاده خاص حرام داشته و در تحقق آن نقش مستقیم ایفا کند.

اختیار و عدم اضطرار: کمک به انجام گناه باید از روی اختیار باشد. چنانچه شیخ انصاری در المکاسب می‌گوید: «ویشترط فی کون الفعل إعانةً علی الإثم أن یقع الاختیار فیه عمداً» *(انصاری، ۱٤۱۵ق، ص. ۱۹۰)*. همچنین، اگر ارائه‌دهنده خدمتی برای رفع یک ضرر شرعی بزرگ‌تر (مانند حفظ جان)، مجبور به انجام عملی شود که به‌طور ثانوی به گناه دیگری کمک می‌کند، با توجه به قاعده اضطرار – که مولف جواهر الکلام به آن اشاره دارد *(صاحب جواهر، ۱۳٦۲، ج۲۲، ص. ۸۳)* – مشمول قاعده حرمت اعانه نخواهد بود.

به‌طورخلاصه، قاعده «حرمت اعانه بر اثم» در فضای رسانه‌های هوشمند، قاعده‌ای پویا و چندبعدی است که تمامی ذینفعان این فضا – از کاربر عادی تا بزرگ‌ترین شرکت‌های فناوری – را مخاطب قرار می‌دهد. تحقق این قاعده منوط به احراز شرایطی دقیق ازجمله قصد، علم، رابطه سببیّت، حرمت ذاتی عمل معاونت‌شونده، اختیار و فقدان مجوز شرعی است. رعایت این اصول نه‌تنها یک تکلیف شرعی بلکه راهکاری اساسی برای کاهش فساد اخلاقی و افزایش فرهنگ دینی در جامعه و ایجاد فضایی سالم‌تر برای فعالیت کاربران است.

۶-۴. تحلیل فلسفی-فقهی مرز تسهیل‌گری و اعانه حرام

یکی از عمیق‌ترین چالش‌های تطبیق قاعده حرمت اعانه بر اثم در زیست‌بوم رسانه‌های هوشمند، واکاوی مفهومی تسهیل‌گری بی‌طرفانه[1] در برابر اعانه فعال[2] است *(نادری و دیگران، ۱۴۰۳؛ احدی و فضلعی، ۱۳۹۳)*. از منظر فلسفه فقه، این تمایز برآمده از تفکیک میان سبب بودن[3] و شرط بودن[4] است. سکوهای عمومی دیجیتال – مانند سیستم‌عامل‌ها، مرورگرها یا شبکه‌های ارتباطی – در تحلیل فقهی پیشرفته، در حکم شرایط امکان[5] برای ارتباطات‌اند، نه اسباب تحقق[6] گناه *(نادری و دیگران، ۱۴۰۳)*. این تمایز برگرفته از تحلیل‌های عمیق اصولی درباره نسبت میان «مقتضی» و «شرط» است.

در تحلیل‌های اصولی و فقهی معاصر درباره مسائل نوپدید، معمولاً میان «فراهم‌آوری صرفِ بستر» و «تقویت فعال اراده مرتکب» تفکیک می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که صرف فراهم‌آوری زیرساخت، بدون جهت‌گیری و نقش تقویتی، در حکم شرط امکان تلقی می‌شود نه سبب تحقق گناه. آنچه در قاعده اعانه بر اثم مُحرِّک حرمت است، نقش تقویتی[7] در اراده مجرم است، نه امکان‌بخشی محض *(احدی و فضلعی، ۱۳۹۳)*. به‌بیان‌دیگر، سکو زمانی مشمول قاعده می‌شود که از بی‌طرفی فناورانه[8] خارج شده و به جهت‌داری فعال[9] گرایش پیدا کند. این انتقال مفهومی زمانی رخ می‌دهد که **نخست**؛ الگوریتم‌های سکو به‌گونه‌ای طراحی شده باشد که محتوای حرام را ترویج کند (مثلاً با اولویت‌دادن به چنین محتوایی در فید کاربران). **دوم**؛ مدل درآمدزایی سکو مستقیماً وابسته به محتوای حرام باشد (مانند دریافت درصد از تراکنش‌های قمار). **سوم**؛ سکو امکانات ویژه‌ای در اختیار تولیدکنندگان محتوای حرام قرار دهد که به عموم کاربران ارائه نمی‌شود. و **چهارم**؛ سیاست‌های محتوایی سکو به‌صورت نظام‌مند محتوای حرام را نادیده بگیرد درحالی‌که توانایی فنی برای کنترل آن وجود دارد.

---

1. Neutral Facilitation
2. Active Assistance
3. Causality
4. Conditionality
5. Conditions of Possibility
6. Causes of Realization
7. Enhancing Role
8. Technological Neutrality
9. Active Directionality

نظریه معیار عرفی «کارکرد غالب» که در پژوهش‌های فقه رسانه و فضای مجازی مطرح شده، درواقع پاسخی فقهی به همین چالش مفهومی است *(عجمی، ۱٤۰۱)*. عرف جامعه دیجیتال می‌تواند تشخیص دهد که آیا یک سکو در مقام تسهیل‌گر ارتباطات است یا مشوق گناه. این تشخیص عرفی بر پایه شواهد عینی مانند نسبت محتوای حرام به مشروع، نحوه بازاریابی سکو، اظهارات مسئولان آن، و تحلیل کارکرد واقعی آن در جامعه استوار می‌شود *(نادری و دیگران، ۱٤۰۳)*.

این تحلیل فقهی نشان می‌دهد که نظریه «اقوی بودن سبب از مباشر» در فضای مجازی نیازمند بازتعریف است *(ویکی‌فقه، ۱٤۰٤)*. در فضای فیزیکی، سبب(مثل فروشنده اسلحه) معمولاً از مباشر(قاتل) متمایز است؛ اما در فضای دیجیتال، سکوها می‌توانند هم‌زمان هم بستر(شرط امکان) و هم تشدیدکننده(سبب تقویتی) باشند و در مواردی عرفاً به‌عنوان سبب اقوی از مباشر تلقی شوند(همان). این دوگانگی نقش، تحلیل فقهی پیچیده‌تری را طلب می‌کند که فراتر از تقسیم‌بندی‌های متعارف مباشرت و تسبیب است و باید با لحاظ اسناد عرفی و کارکرد واقعی سامانه‌های هوشمند بازسازی شود.

۶-۵. تحلیل مبانی ضمان در اعانه بر اثم رسانه‌ای

تبیین دقیق حدود مسئولیت مالی(ضمان) ناشی از اعانه بر اثم در فضای رسانه‌های هوشمند، مستلزم تفکیک سطوح سه‌گانه مسئولیت در منظومه فقه امامیه و واکاوی مبانی هر یک است *(صاحب جواهر، ۱۳٦۲، ج۳۷، ص. ٦۰؛ انصاری، ۱٤۱۵ق، ج۳، ص. ۱۸۰)*. این تفکیک، پاسخ به پرسش از امکان انتساب خسارت مالی به سکوها را در قالب **سطوح سه‌گانه مسئولیت فقهی** نظام‌مند می‌سازد.

الف) مسئولیت اخلاقی-فقهی(ذمّه شرعی): این سطح اساساً ناظر به حرمتِ عمل است. با تحقق شرایط قاعده حرمت اعانه بر اثم(شامل علم، قصد یا قصد نوعی، و رابطه سببیّت عرفی)، شخص مرتکب فعل حرام شده و متحمل «إثم» و عقاب اخروی می‌گردد *(صاحب جواهر، ۱۳٦۲، ج۲۲، ص. ۳۵۸)*. این مسئولیت، موضوع اصلی قاعده مورد بحث بوده و با احراز شرایط مذکور، قابل انتساب به کنشگران فضای مجازی است.

ب) مسئولیت کیفری (حدود و تعزیرات): این سطح، مستلزم جرم‌انگاریِ خاص توسط

شارع مقدس یا ولیِّ فقیه در مقام حکمرانی است. قوانین موضوعه در حوزه جرایم رایانه‌ای(از قبیل ماده ١٤ قانون جرائم رایانه‌ای ایران) را می‌توان تجلّی عینی و تعزیریِ همین اصل فقهی در عصر حاضر دانست که با تعیین ضمانت اجرای دنیوی، از کیان نظام اسلامی و ارزش‌های اخلاقی جامعه پاسداری می‌کند *(حق‌پناه، ١٤٠٤، ص. ١٢١)*.

ج) مسئولیت مدنی(ضمان مالی): بر اساس نظریه مشهور فقهی، صرف تحقق عنوان «اعانه» موجب ضمان نمی‌گردد، مگر آنکه بتوان رابطه «تسبیب» میان عمل معین و ضرر واردشده را به‌گونه‌ای محرز دانست که عرفاً ضامن‌آور باشد *(خویی، ١٤١٧ق، ج٦، ص. ٣٩٧؛* خمینی، ١٤٢١ق، ج٢، ص. ٤٦١*)*. برای مسئولیت مالی سکو، نیاز به استناد به یکی از اسباب ضمان، به‌ویژه تسبیب، داریم؛ بنابراین **اشکال نوین تسبیب در رسانه‌های هوشمند** در قالب چند حالت بررسی می‌شود:

تسبیب اطلاعاتی[1]: سکویی که با الگوریتم‌های پیشنهادگر، کاربر را به محتوای حرام سوق دهد، نوعی سببیّت اطلاعاتی ایجاد کرده و با بحث ضمان ناشی از اطلاعات گمراه‌کننده همخوانی دارد *(احمدی و ایکدر، ١٤٠٤، ص. ١٠)*.

تسبیب ساختاری[2]: طراحی آگاهانه مانع نظارت(مانند رمزنگاری پایان‌به‌پایان)، در حکم «تولی موجبات فساد» است و بر اساس قاعده «مَن تَوَلَّی إفساداً فَهُوَ ضامِن»، مسئولیت‌آور است *(خمینی، ١٤٢١ق، ج٢، ص. ٢٩)*.

تسبیب جمعی[3]: مجموع سیاست‌ها و عملکرد سیستم در ایجاد فضای آسیب‌زا، مسئولیت نهادهای سیستم‌ساز را ایجاب می‌کند *(حق‌پناه، ١٤٠٤، ص. ١٣٣)*.

البته برخی فقهای معاصر با استناد به سیره عقلایی «ضمان المجالس» و قاعده «السُّلْطَنَةُ»، مالک سکو را به‌دلیل سلطه بر فضا، در قبال تقصیر در نظارت مسئول مدنی می‌دانند *(صاحب جواهر، ١٣٦٢، ج٣١، ص. ٩١)*؛ بنابراین تقصیر(ترک اقدام معقول برای جلوگیری از ضرر قابل‌پیش‌بینی) کلید تحقق ضمان مالی است.

جدول شماره ۲: شرایط تحقق قاعده حرمت اعانه بر اثم

1. Informational Causation
2. Structural Causation
3. Collective Causation

شرط	توضیح	منبع
۱. نیت انجام گناه (قصد)	کمک‌کننده باید آگاهانه قصد کمک به گناه را داشته باشد	علامه حلی
۲. وقوع گناه (رابطه علّی)	عمل کمک‌کننده باید به تحقق گناه منجر شود	شیخ انصاری
۳. حرمت ذاتی عمل معین	عملی که به آن کمک می‌شود باید ذاتاً حرام باشد	شیخ انصاری
۴. علم و آگاهی	کمک‌کننده باید از حرام بودن عمل و نقش خود آگاه باشد	آخوند خراسانی
۵. اختیار	کمک باید از روی اختیار و بدون اجبار باشد	شیخ انصاری
۶. عدم مجوز شرعی	در صورت وجود اضطرار یا مجوز شرعی، قاعده جاری نمی‌شود	صاحب جواهر

به‌طورکلی، دیدگاه‌های متعددی در خصوص نقش ابزارهای ارتباطی و هوشمند در کمک به گناه ارائه شده است که شامل موارد ذیل است:

۱. برخی معتقدند که هرگاه ابزار یا وسایلی به‌طور مشخص برای کمک به کارهای ناپسند مورد استفاده قرار گیرد، فروش یا تولید آن‌ها از نظر شرعی جایز نیست *(مکارم شیرازی، ۱۳۹۸)*. بر اساس این دیدگاه، فروش تلفن‌های هوشمند یا ابزارهای مشابه به افرادی که از این وسیله برای امور غیرشرعی بهره می‌برند، مصداق حرمت اعانه بر اثم است.

۲. شهید مطهری در کتاب «فلسفه اخلاق»، به موضوع مسئولیت اخلاقی و اجتماعی افراد در اعمالی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم موجب گناه می‌شود، پرداخته و تصریح می‌کند هر اقدامی که باعث تسهیل یا سوق دادن ابزارها به مسیر گناه شود، حتی اگر به‌طور غیرمستقیم باشد، از منظر اخلاق اسلامی بازخواست‌پذیر است *(مطهری، ۱۴۰۰، ص. ۱۲۵)*.

جدول شماره ۳: پیامدهای اجتماعی قاعده در رسانه

حوزه	پیامد	مصداق
حقوقی	جرم‌انگاری تولید و انتشار محتوای حرام (ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای)	فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی غیراخلاقی
اجتماعی	کاهش فساد اخلاقی و ترویج ارزش‌های دینی	آموزش سواد رسانه‌ای برای کاربران

فقهی-اخلاقی	مسئولیت‌پذیری تولیدکنندگان محتوا و توسعه‌دهندگان نرم‌افزار	ممنوعیت شرعی فروش ابزارهای با کاربرد غالب حرام

۷. تحلیل یافته‌ها

قاعده «حرمت اعانه بر اثم» یکی از قواعد مهم فقه امامیه برای تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی شمرده می‌شود و در روزگار کنونی، به‌ویژه با گسترش رسانه‌های جمعی و ابزارهای هوشمند، اهمیت مضاعفی یافته است. شبکه‌های اجتماعی و تلفن‌های هوشمند، به‌واسطه برد وسیع و اثربخشی کم‌نظیر خود، عرصه‌های جدیدی برای بروز و تحقق این قاعده فراهم کرده‌اند که باید از منظری عمیق و تحلیلی مورد مطالعه قرار گیرند. بر اساس مبانی قرآنی و روایی، نهی از همکاری و یاری در گناه مرزهای روشنی ندارد و حتی اقدامات غیرمستقیم نیز از دایره حرمت خارج نمی‌شوند. این امر با توجه به تعریف موسّع فقها از «اعانت»، شامل مصادیق متعددی در حوزه رسانه و فناوری می‌شود؛ به‌گونه‌ای‌که تولید و انتشار ابزارها یا نرم‌افزارهایی که استفاده از آن‌ها غالباً در جهت امور غیرشرعی است، مصداق روشن اعانت بر اثم تلقی می‌گردد.

از منظر حقوقی، بخشی از قوانین کیفری ایران، متأثر از این قاعده، اقدام به جرم‌انگاری انتشار محتوای غیرمجاز و غیراخلاقی در بسترهای مجازی کرده‌اند و این امر مسئولیت کیفری و مدنی را متوجه ناشران، تولیدکنندگان نرم‌افزار و حتی کاربران خاطی می‌سازد. از منظر اجتماعی، ترویج و رعایت این قاعده می‌تواند نقش بسزایی در سالم‌سازی فضاهای رسانه‌ای، کاهش رذایل اخلاقی و ارتقای فرهنگ مسئولیت‌پذیری دینی و اجتماعی ایفا کرده و درنهایت، به امنیت اخلاقی جامعه یاری رساند. رسانه‌های دیجیتال و تلفن‌های هوشمند به‌خاطر ویژگی‌های خاص خود، از یک‌سو می‌توانند ابزار ترویج علم، فرهنگ و معنویت باشند و از سوی‌دیگر، بستر ایفای نقش‌های منفی و آسیب‌ساز واقع شوند. تعیین مرز مسئولیت هریک از اَشخاص، اعم از دولت‌ها، تولیدکنندگان محتوا، توسعه‌دهندگان نرم‌افزار، خدمت‌دهندگان اینترنتی و کاربران، مستلزم توجه جدی به این قاعده است. نه‌تنها فروختن یا توسعه ابزارها و اپلیکیشن‌های خاص با کاربرد غالب در زمینه‌های حرام مشمول نهی فقهی است بلکه کمک‌های جزئی مانند ایجاد بسترهای مشارکتی برای نشر شایعه، هتک

حرمت یا اشاعه فحشا نیز ذیل این قاعده محسوب می‌شوند.

افزون‌براین، ضرورت گسترش سواد رسانه‌ای و آموزش‌های اخلاقی برای کاربران، تدوین قوانین دقیق‌تر با نظر به اقتضائات فضای دیجیتال و به‌کارگیری فناوری برای جلوگیری از گسترش گناه در رسانه، ازجمله راهکارهای اساسی مقابله با اعانه به اثم در فضای رسانه‌ای عصر حاضر است. همچنین، توسعه ابزارهای نظارتی و پالایشی و نیز تسهیل دسترسی به محتواهای سالم، از وظایف دولت و نهادهای مسئول به‌شمار می‌رود. درنهایت، باید توجه داشت که عمل به قاعده حرمت اعانه بر اثم، علاوه بر بُعد فقهی و حقوقی، نقش کلیدی در بهداشت روانی و اخلاقی جامعه دارد و می‌تواند با تلطیف مناسبات اجتماعی و ارتقای فرهنگ دینی، فضای امن و سالم‌تری را برای زیست مؤمنانه در عصر ارتباطات نوین رقم بزند.

جدول شماره ۴: مصادیق اعانه بر اثم در رسانه

مصادیق اعانه بر اثم در رسانه		
عنوان	**مصداق**	**مسئولیت شرعی**
۱. انتشار محتوای غیراخلاقی	اشتراک‌گذاری تصاویر یا ویدئوهای حرام در شبکه‌های اجتماعی	کاربران، تولیدکنندگان محتوا، سکوها
۲. تولید نرم‌افزارهای فاسد	طراحی اپلیکیشن‌هایی مانند قمار یا محتوای غیرشرعی	توسعه‌دهندگان، شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات
۳. فروش ابزار برای اهداف حرام	فروش تلفن هوشمند به کسانی که از آن برای امور حرام استفاده می‌کنند	فروشندگان
۴. نشر شایعات و هتک حرمت	انتشار اخبار کذب یا توهین به اشخاص در فضای مجازی	کاربران، رسانه‌ها

۸. جمع‌بندی و پاسخ به چالش‌های فقهی نوپدید

مقاله حاضر با تطبیق قاعده فقهی حرمت اعانه بر اثم بر فضای رسانه‌های هوشمند، نشان داد که این قاعده در عصر دیجیتال ابعاد جدیدی یافته است؛ ازجمله:

۱. تمایز تسهیل‌گری از اعانه نیازمند تحلیل‌های چندلایه‌ای است که از ساده‌انگاری(حرمت هر بستر ارتباطی) و سهل‌انگاری(بی‌مسئولیتی سکوها) پرهیز کند. معیار «کاربرد غالب

حرام» همراه با تحلیل «قصد نوعی» می‌تواند خط‌کشی مناسبی ارائه دهد.

۲. مبانی ضمان در اعانه رسانه‌ای نیازمند بازخوانی مفاهیم تسبیب، سببیت، و مسئولیت نهادهای پیچیده است. اگرچه طبق مبانی مشهور، اعانه صرف موجب ضمان مالی نیست؛ اما توسعه مفهومی «تسبیب اطلاعاتی» و «تسبیب ساختاری» می‌تواند در موارد خاص، سکوها را مشمول ضمان کند.

۳. احراز قصد و علم در سکوهای بزرگ با توسل به مفاهیم «قصد نوعی»، «علم ساختاری»، و «مسئولیت تتبّعی» ممکن است. فقه معاصر می‌تواند با خلق ابزارهای تحلیلی جدید، بدون تضعیف دقت فقهی، با پیچیدگی‌های نهادهای دیجیتال مواجه شود.

٤. فقه رسانه به‌عنوان شعبه‌ای تخصصی از فقه معاصر، نیازمند توسعه نظریه‌های میان‌رشته‌ای است که هم از عمق منابع اصیل فقهی بهره ببرد و هم از یافته‌های علوم ارتباطات، فناوری اطلاعات، و فلسفه فناوری آگاه باشد.

این پژوهش نشان می‌دهد که فقه جواهری(اصول‌محور و عمیق) می‌تواند با فقه پویا(مسئله‌محور و نوآور) تلفیق شود تا پاسخ‌های متقن و درعین‌حال کاربردی برای چالش‌های اخلاقی-فقهی عصر دیجیتال ارائه دهد. قاعده حرمت اعانه بر اثم دراین‌راستا، چهارچوبی زنده و تحول‌پذیر برای تنظیم رابطه انسان، فناوری و اخلاق در جامعه دیجیتال است.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

آخوند خراسانی، محمد کاظم (١٤٠٩ق). *کفایه الاصول*. قم: مؤسسه آل البیت.

ابن بابویه، محمد بن علی (١٤٠٦ق). *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*. قم: دار الشریف الرضی للنشر.

ابن‌منظور، محمد بن مکرم (١٤٠٢ق). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

احدی، سیف‌الله و فخلعی، محمدتقی (۱۳۹۳ش). پژوهشی در دلالت عبارت قرآنی لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ بر حرمت اعانت بر اثم و عدوان. *آموزه‌های فقه مدنی*.٦(١٠). ٣-٣٠.

احمدی، علی و ایکدر، نازنین عباس‌پور(١٤٠٤ش). «هوش مصنوعی و فقه اسلامی: مسیر

مسئولیت مدنی در عصر فناوری». *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*. ۳(۲). ۱-۳٤.
اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳ش). *قواعد فقهی*. قم: مؤسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
انصاری، مرتضی (۱٤۱۵ق). *المکاسب*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
بهرامی احمدی، سیده‌راضیه (۱۳۹۹ش). «تحلیل کاربردهای معامله به قصد فرار از دین در فقه و حقوق موضوعه ایران». *پژوهش حقوق خصوصی*، ۹(۳)، ۱–۲۵.
بجنوردی، محمدحسن (۱۳۷۹ش). القواعد الفقهیه. قم: نشرالهادی.
پریزاد، رضا و سعیدی، علیرضا (۱٤۰۳ش). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر استفاده از فناوری موبایل هوشمند بر سبک زندگی جوانان». *رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۸(۳۰)، ٤۱۰–٤۲۷.
پیرمرادیان، سیدمحمدرضا (۱۳۹٤ش). «حرمت اعانه بر اثم و اعانه به ظالم در رسانه های خبری و مطبوعات از دیدگاه فقه اسلامی و با تاکید بر اندیشه فقهی امام خمینی(ره)». مجله سیاست پژوهی ایرانی،۳(۵). ٦۱-۷۵.
حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳٦۷ش). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت(ع).
حق‌پناه، رضا (۱٤۰٤ش). «مسئولیت مدنی دولت در قبال ناامنی اقتصادی؛ تحلیلی فقهی-حقوقی». *پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه*،۳(۱). ۱۱۸-۱٤۷.
حاجی‌زاده، محمد (۱۳۹۰ش). «نظریه‌های دینی در تنظیم پیام‌های رسانه‌ای». پژوهش‌های ارتباطی.۱۸(٦٦). ٤۵-٦۸.
خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲ش). المکاسب المحرمه. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خمینی، سیدروح‌الله (۱٤۲۱ق). *تحریر الوسیله*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
خویی، سیدابوالقاسم (۱٤۱۷ق). *مصباح الفقاهه*. قم: مؤسسه انصاریان.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱٤۱۲ق). *مفردات الفاظ القرآن*. بیروت: دار الشامیه.
شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی‌تا). *الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
صاحب جواهر، محمد حسن (۱۳٦۲ش). *جواهر الکلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
علامه حلی، حسن بن یوسف (۱٤۱٤ق). *تذکرهٔ الفقهاء*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۹۸ش). *فقه و مصلحت* (ج۱). قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فاضل لنکرانی، محمد (۱٤۳٤ق). *القواعد الفقهیه*. قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم‌السلام.

کاظمی‌نیا، علی (۱۳۹٤ش). واکاوی معنا و مفهوم اعانه بر اثم در آرای فقهای امامیه. *فصلنامه علمی فقه و اصول*، ٤۷(۲). ۱۲۷-۱۱۵.

گروه فقه فضای مجازی (۱٤۰۲ش). *نظام موضوعات فقه فضای مجازی*. قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مجلسی، سیدمحمدباقر (۱٤۰۳ق). *بحارالانوار*. بیروت: داراحیاءالتراث العربی.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۸ش). *سیر نگارشی قواعد فقهی در میان فقهای امامیه*. تهران: فرهنگستان علوم ایران.

مطهری، مرتضی (۱٤۰۰ش). *فلسفه اخلاق*. تهران: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸٦ش). *پیام قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

منتظری، حسینعلی (۱٤۱۵ق). *دراسات فی المکاسب المحرمه*. قم: نشر تفکر.

موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۷۷ش). *القواعد الفقهیه*. قم: نشر الهادی.

موسوی، علی و همکاران (۱٤۰۲ش). حقوق رقابت در پلتفرم‌های دیجیتال؛ ضرورت بازنگری در قواعد سنتی. *تحقیقات حقوقی دانشگاه علامه طباطبائی*، ۵۰(۲)، ۱-۳۲.

مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۸ش). قانون جرایم رایانه‌ای. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی.

نادری، محسن و همکاران (۱٤۰۳ش). بررسی فقهی شرطیت تحقق معان علیه در صدق عنوان اعانت با تاکید بر کارکردهای قاعده اعانت بر اثم در فضای مجازی. *فقه و مبانی حقوق اسلامی*. ۵۷(۱).۹۵-۱۱٦.

نورمحمدیان، علی (۱٤۰۰ش). «بررسی فطرت بالفعل و بالقوه از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی و شهید مطهری». *مطالعات علوم قرآن و حدیث*،۳(۲)، ص ۲٦-٤٦.

پایگاه‌ها:

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، استفتاء درباره احکام فضای مجازی، شماره ۱۲۹۴۸، (۱۴۰۳/۰۷/۲۰)، در:/https://www.leader.ir

۲. زومیت (۱۴۰۱ش). قابلیت‌های جالب گوشی‌های هوشمند که احتمالاً از آن‌ها اطلاع ندارید، (۱۴۰۳/۰۷/۱۸)، در: https://www.zoomit.ir/software-application/386883-12-things-smartphone-could-do

۳. متمم (بی‌تا). تعریف رسانه، (۱۴۰۳/۰۸/۱)، در: https://motamem.org

۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۸ش). استفتاء درباره اعانه بر گناه، (۱۴۰۳/۰۷/۱۰)، در: https://old.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21

۵. عجمی، هادی (۱۴۰۱). «بررسی فقهی فیلترینگ و پیشینه فقهی آن». شبکه اجتهاد، (۱۴۰۵/۱۰/۱۰)، در: https://ijtihadnet.ir

۶. ویکی فقه (۱۴۰۴ش). «سبب اقوی از مباشر»، (۱۴۰۵/۱۰/۱۰) در: https://fa.wikifeqh.ir

۷. فاضل فقیهی، محمدباقر. (۱۴۰۰ش). *درس‌گفتار اعانه بر اثم، اعانه بر ظلم و پیشگیری از جرم*. پایگاه تخصصی فقه حکومتی (ایشیعه)، (۱۴۰۰/۰۹/۲۱)، در:https://eshia.ir